



اولین بازیکنی که
به معنای واقعی
دوستش داشتم دیوید
بکهام بود ولی بازیکنی
که عاشقش شدم فرانچسکو
نام داشت. فرانچسکو توتی.

به خاطر او طرفدار ایتالیا شدم و
از انگلیس دست کشیدم. به خاطر
او طرفدار رم شدم و هنوز طرفدار این
تیم باقی مانده‌ام. خوب یادم است که
تابستان سال ۱۳۷۹ بود و یورو ۲۰۰۰ در هلند
و بلژیک در جریان. فرانچسکو توتی یک چهره‌ی
جذاب ایتالیایی داشت. صورتی شبیه به بازیگران
هالیوودی با موهای زرد و لخت. یک هدبند سفید
هم به سر می‌بست که دیگر کاملاً با بقیه‌ی بازیکنان
متمايزش می‌کرد. شاید فکر کنید چقدر دخترانه
به فوتبال نگاه می‌کنم، ولی دختر و پسر ندارد.
همه‌ی ما اول طرفدار یک فوتبالیست می‌شویم و
بعد طرفدار خود فوتبال. توتی بازیکنی بود که
با پاهایش تور را به وجد می‌آورد. با اولین
لمس‌هایش یا به قول خارجی‌ها با
فرست‌تاچ‌هایش. ضربه‌ای که به توپ
می‌زد آن قدر نرم بود که فکر می‌کردی
صحنه، آهسته شده. عشق من به او
به خاطر چهره‌ی فوتوژتیکش نبود
ولی خب کتمان نمی‌کنم که
وقتی کارگردان یک صحنه
اکستریم‌کلوز از او می‌داد
هم ذوق می‌کردم.

